

## طراحی الگوی توسعه سرمایه فرهنگی در نظام آموزش و پرورش ایران

حمیدرضا بازگلی<sup>۱</sup>، محمود صفری<sup>۲</sup>، محمد نقی ایمانی<sup>۳</sup>

### چکیده

این پژوهش با هدف طراحی الگوی توسعه سرمایه فرهنگی در نظام آموزش و پرورش انجام شد. پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ نحوه گردآوری اطلاعات جزء پژوهش‌های آمیخته (کیفی- کمی) بود. جامعه آماری در بخش کیفی شامل خبرگان دانشگاهی و سازمانی شامل مسئولین وزارت آموزش و پرورش و در بخش کمی شامل تمامی مدیران دبیرستان‌های متوسطه دوره دوم شهر تهران بود. حجم نمونه در بخش کیفی با اشیاع نظری (۲۰ نفر) و در بخش کمی بر اساس فرمول کوکران ۲۹۰ نفر برآورد شد. ابزار گردآوری داده‌ها، در بخش کیفی، مصاحبه نیمه ساختار یافته و در بخش کمی، پرسشنامه محقق ساخته با ۱۸۵ سؤال بر مبنای مقیاس ۵ گزینه‌ای بود. روایی پرسشنامه از نظر محتوایی از طریق چند نفر از خبرگان، روایی سازه شامل همگرا از طریق محاسبه میانگین واریانس استخراج شده و روایی واگرا از طریق محاسبه جذر AVE به تأیید رسید. پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی برای ابعاد پرسشنامه بالاتر از ۰/۷ به دست آمد. نتایج به دست آمده به شناسایی ۱۰ مؤلفه و ۱۸۵ شاخص منجر شد که ۵ مؤلفه اثرگذار شامل هویت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، تعاملات خانوادگی، مصرف رسانه و سبک زندگی و ۵ بعد اثرپذیر پیشرفت تحصیلی، توانمندسازی دانش‌آموزان، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مقبولیت اجتماعی و شادی دانش‌آموزان تأثیر دارند. نتایج دیگر نشان داد که وضعیت موجود مؤلفه‌های شناسایی شده در توسعه سرمایه فرهنگی در نظام آموزش و پرورش مطلوب است.

**واژگان کلیدی:** سرمایه، سرمایه فرهنگی، هویت اجتماعی، سرمایه اجتماعی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۲۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۰۸

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران (Email: h.bazgoli@yahoo.com)

<sup>۲</sup> استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران (نویسنده مسئول) (Email: Safari@damavandiau.ac.ir)

<sup>۳</sup> استادیار مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران (Email: m.imani@yahoo.com)

## مقدمه

در پاره‌ای از موارد با حرکت‌های استراتژیک و رو به جلو حتی با تغییر ذائقه و سلائق افراد و آحاد جامعه می‌توان به تولید نابرابری‌های جدید اجتماعی و تغییر موازنه‌های قدرت پرداخت و در بازار سرمایه و سرمایه‌گذاری در عرصه بازار، تغییر ایجاد نمود و با باز تعریف هویت‌های ملی و انسجام‌بخش نوین، سبب بروز هویت‌های همگرا و یا واگرا در جامعه گردید، این‌ها به‌نوعی نتایج کوچکی از انواع کارکردهای سرمایه فرهنگی در جامعه بشمار می‌آیند (مولر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹: ۲۲۸). زاینده‌گی و باروری می‌تواند به‌عنوان سرمایه ناملموس و سرمایه معنوی به‌هر شکلی که لازم باشد تولید و بازتولید شود و با بازتولید نابرابری‌های موجود طبقاتی بروز تحرک و پویایی را برای نسل‌های متمادی فراهم نماید (وو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸: ۲۰۳). بنابراین درک عوامل مؤثر بر افزایش و ارتقاء سرمایه فرهنگی می‌تواند با تولید آگاهانه و ارادی و برنامه‌ریزی شده در ابعاد فردی، جمعی و ملی، در راستای تولید دانش فرهنگی و همراستایی فرهنگی جهت تحقق جامعه‌ای مولد و خلاق با بالاترین بهره‌وری در راستای تحقق توسعه پایدار عمل نماید و از نظر مدیریتی می‌تواند در بهبود تصمیم‌گیری و تعیین استراتژی‌های عملیاتی و تولید نقشه راه در حوزه‌های سیاستگذاری فرهنگی با حداکثر سود و حداقل هزینه راهگشا و مثمر ثمر باشد. در گذشته سرمایه فرهنگی به‌عنوان یک سرمایه فردی و در بعد فردی مد نظر قرار می‌گرفت و از آن به‌عنوان مجموعه‌ای از روابط، معلومات، اطلاعات و امتیازاتی که فرد برای حفظ یا بدست آوردن یک موقعیت اجتماعی از آن استفاده می‌کرد نام برده می‌شد (تمنا و صمدی، ۱۳۹۵: ۱۰۱).

ولی امروزه و در شبکه جهانی کنونی سرمایه فرهنگی نه در قالب فردی بلکه در بعد اجتماعی و به‌عنوان شاخصی مؤثر در توسعه ملی مد نظر می‌باشد، لذا ارتقاء و توسعه در سرمایه فرهنگی به‌عنوان توسعه پایدار فرهنگی در جوامع مورد نظر می‌باشد (فیلیپس، ۲۰۱۰: ۳۷۶). جهت تعیین شاخص‌های ارتقاء سرمایه فرهنگی تحقیقاتی انجام شده است؛ از جمله بررسی‌های اسپرگر و ساواژ<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که افزایش سرمایه فرهنگی والدین سبب افزایش میزان دستیابی آموزشی و حتی تعیین میزان دستیابی آموزشی در فرزندان می‌شود. ایشان جامعه‌پذیری، انتقال فرهنگی، دستیابی به امکانات آموزشی و تحرک اجتماعی را شاخص‌های ارتقاء سرمایه فرهنگی دانسته و نشان دادند که ارتقاء سرمایه فرهنگی در والدین، منجر به افزایش تشویق و انتظارات از کودکان، ارتقاء دستیابی آموزشی، جامعه‌پذیری و درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارها و انتقال فرهنگی ایشان می‌شود. «انتقال فرهنگی» حتی می‌تواند سطوح دستیابی به امکانات آموزشی را تعیین نماید. همچنین انتقال فرهنگی می‌تواند با اثر مثبت، از تنزل کودک به عقب جلوگیری نموده و باعث رشد اجتماعی بیشتر گردد.

ارتقاء سرمایه فرهنگی به‌عنوان نیروهای محرک تجدید حیات فرهنگی هر کشور در تمامی حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مهم بوده و جوامع با تکیه بر آن‌ها افرادی در، به منفعت‌طلبی مادی و معنوی دست می‌یابند (کالی<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۵: ۳۱۴).

سرمایه فرهنگی برخاسته از سه منشأ گوناگون شامل: پرورش خانوادگی و اجتماعی (طبقاتی)، آموزش‌های رسمی و مهارت‌های کسب‌شده از طریق آموزش و فرهنگ شغلی است. انباشت سرمایه فرهنگی در افراد از طریق این سه منبع سبب بروز تفاوت‌هایی در دارندگان سرمایه فرهنگی و کسانی که فاقد آن هستند می‌شود (رستمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۰). لذا ضرورت آموزش در ارتقاء سرمایه فرهنگی بوردیو نه تنها در راستای افزایش صرف سرمایه موروثی خانواده، بلکه در راستای تولید مخاطب فرهنگ و کالاهای فرهنگی و هنری و آموزش کدهای فرهنگی در راستای تحقق سرمایه نمادین مؤثر بوده و می‌تواند به‌نوعی باعث ارتقاء

<sup>1</sup> Moeller

<sup>2</sup> Wu

<sup>3</sup> Scherger & Savage

<sup>4</sup> Kuly

توانایی‌های فرهنگی، صلاحیت و توانایی‌ها در کنار افزایش تحصیلات و امکان دستیابی به موفقیت‌های آموزشی و شغلی راهگشا و اثربخش باشد.

سرمایه فرهنگی، همان‌طور که در نگرش، رفتارها و شیوه‌های خودنمایی کودکان تجلی می‌یابد، به عنوان یک ابزار علامت‌دهنده عمل می‌کند که معلمان و سایر دروازه‌بانان نهادی به‌عنوان درخشش دانشگاهی، تفسیر می‌کنند. نتیجه این "عدم شناخت" این است که معلمان برای کودکانی که دارای سرمایه فرهنگی هستند، به نفع و معترضین رفتار می‌کنند، که به نوبه خود موفقیت تحصیلی این کودکان را تقویت می‌کند (رادولویچ<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۰: ۲۵۶). به همین دلیل است که سرمایه فرهنگی به یک "کاتالیزور" یعنی معلم نیاز دارد تا به چیزی تبدیل شود که موفقیت تحصیلی را ارتقا بخشد، مثلاً طرفداری و رفتار ترجیحی. در این تفسیر، سرمایه فرهنگی بر نابرابری آموزشی تأثیر می‌گذارد زیرا کودکان دارای پیشینه ممتاز تمایل به داشتن سرمایه فرهنگی بیشتر از آنهایی که از پس زمینه‌های کمتری برخوردار هستند، می‌دهد و این یک مزیت ناعادلانه در سیستم آموزشی است. ساز و کار دوم این است که سرمایه فرهنگی با تجهیز فرزندان به مهارت‌هایی که به آن‌ها کمک می‌کند تا در مدرسه خوب عمل کنند، بر موفقیت تحصیلی تأثیر می‌گذارد (یوزیرالحسن<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۰: ۳۶۱).

در دهه‌های اخیر حل مسائل آموزش و پرورش نه تنها مورد نظر مسئولان کشورهای مختلف قرار گرفته، بلکه همواره تأثیر آن در توسعه جامعه بیشتر آشکار می‌شود. به طور کلی، انجام تحقیقات در زمینه آموزش و پرورش و آموزش عالی می‌تواند عوامل مؤثر بر وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان را مشخص سازد. به‌ویژه، از آنجا که در سال‌های اخیر این تصور در حوزه آموزش عالی شکل گرفته است که وضعیت تحصیلی دانشجویان نسبت به گذشته دچار افت شده است (بابایی فرد و حیدریان، ۱۳۹۴: ۱۲۰). عده‌ای از محققین نیز بر مکانیسم اثر سرمایه فرهنگی بر تجربه‌های آموزشی و بازخورد داشته‌های آموزشی افراد در ارتقاء سرمایه فرهنگی افراد توجه داشته‌اند. آن‌ها اعتقاد دارند به همان صورت که سرمایه‌های موروثی می‌توانند در کسب سرمایه‌های آموزشی دخیل باشند، تجربیات آموزشی کسب‌شده در مدرسه و دانشگاه، در نهایت می‌تواند به‌عنوان سرمایه موروثی نسل‌های آتی مورد سرمایه‌گذاری قرار گیرد و باعث ارتقاء سرمایه فرهنگی فرد و خانواده باشد (وایلد هگن<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰: ۵۲۱). در بسیاری از تحقیقات، میزان تحصیلات والدین به‌عنوان شاخصی اثرگذار در تعیین میزان سرمایه فرهنگی کودک مورد ارزیابی و توجه قرار گرفته است، به‌نحوی که در پاره‌ای از موارد، رتبه‌بندی در حیطه مدارک آموزشی والدین را مبنایی برای ارتقاء سرمایه فرهنگی کودکان توسط تولید عادات فرهنگی کودک، ایجاد انتظارات والدین از کودک بر مبنای تحصیلات والدین و میزان دستیابی به موفقیت آموزشی کودک برشمرده‌اند. این امر به خوبی جایگاه ارتقاء آموزشی تحصیلاتی والدین را در عرصه تولید سرمایه فرهنگی متری برجسته می‌نماید (مایبرگ و روسن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹: ۷۰۰).

بدون شک مسیر پیشرفت و توسعه یک کشور نیازمند مشارکت فرد مردم یک جامعه است و این امر امکان‌پذیر نیست مگر در جوامعی که سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی بالایی دارند. به اعتقاد صاحب‌نظران توسعه، سرمایه فرهنگی خود شاخصی از توسعه فرهنگی به شمار می‌رود. با توجه به اهمیت تأمین سرمایه فرهنگی، لازم است که سیاست‌گذاران فرهنگی شناخت کاملی از این سرمایه، برآوردی از رشد آن در اختیار داشته باشند و چگونگی تحولات آن را بدانند و منابع را برای تأمین این نیاز به گونه‌ای متناسب تخصیص دهند. بدین ترتیب با مطالعه علمی و شناخت دقیق سرمایه فرهنگی اقبال مختلف جامعه می‌توان از این مفهوم به‌عنوان متغیر پیش‌بینی‌کننده در تحلیل مسائل اجتماعی، فرهنگی نظیر هویت اجتماعی، مشارکت سیاسی، عملکرد تحصیلی، همنوایی و ... سود جست. همان‌طور که آموزش می‌تواند در ارتقاء و ساخت سرمایه فرهنگی مؤثر باشد، سرمایه فرهنگی نیز باعث بازتولید آموزشی، موفقیت‌های

<sup>1</sup> Radulović

<sup>2</sup> Uzair-ul-Hassan

<sup>3</sup> Wildhagen

<sup>4</sup> Myrberg & Rosén

آموزشی، افزایش دستیابی آموزشی و ارتقاء دانشی افراد می‌شود. لذا با این تفاسیر پژوهش حاضر به بررسی الگوی توسعه سرمایه فرهنگی در نظام آموزش و پرورش می‌پردازد و قصد دارد به این سؤال پاسخ دهد که چه الگویی می‌توان برای توسعه سرمایه فرهنگی در نظام آموزش و پرورش طراحی کرد؟

پرکان و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به "بررسی تأثیر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی بر نگرش به طلاق در بین افراد ۵۰-۲۱ ساله ساکن شهر کرمان" پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که رابطه معناداری بین سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی با نگرش مثبت به طلاق وجود دارد به این معنا که پاسخگویانی که از سرمایه اجتماعی و فرهنگی بیشتری برخوردار بودند نگرش مثبت تری نسبت به طلاق داشتند. با این وجود از بین ابعاد سرمایه اجتماعی، متغیر مشارکت اجتماعی مورد تأیید قرار گرفت اما متغیرهای اعتماد اجتماعی و عضویت اجتماعی مورد تأیید قرار نگرفتند و رد شدند و از بین ابعاد سرمایه فرهنگی، متغیر سرمایه فرهنگی عینیت یافته مورد تأیید قرار گرفت و دو متغیر دیگر یعنی سرمایه فرهنگی نهادینه و تجسم یافته رد شدند. همچنین از بین متغیرهای جمعیت شناختی دو متغیر سطح تحصیلات و میزان درآمد مورد تأیید قرار گرفتند و نشان دادند که رابطه معنادار و مستقیمی با نگرش مثبت به طلاق دارند. درودیان و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان رابطه میزان استفاده از شبکه‌های تلویزیونی صداوسیما و سرمایه فرهنگی دانشجویان (دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب) دریافتند که بین میزان استفاده از شبکه‌های تلویزیونی صداوسیما و سرمایه فرهنگی رابطه وجود دارد در عین حال همبستگی مستقیمی بین میزان استفاده از شبکه‌های تلویزیونی صداوسیما با ابعاد سرمایه فرهنگی (سرمایه فرهنگی تجسم یافته، سرمایه فرهنگی عینیت یافته، سرمایه فرهنگی نهادینه شده) وجود دارد.

زارع شاه آبادی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان مقایسه نقش خانواده و مدرسه در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه فیروزآباد دریافتند که بین جامعه‌پذیری دینی و متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، نقش الگویی خانواده، سرمایه فرهنگی، نقش معلم، شیوه‌های فرزندنتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل وارد شده در مدل رگرسیون ۴۹/۶ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

عسکری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به "طراحی الگوی توسعه سرمایه فرهنگی در خانواده ایرانی" پرداختند. یافته‌های پژوهش پس از تحلیل عامل ساختاری، مؤید ارتباط ۱۰ مولفه از ۱۳ مولفه در مدل مفهومی شدند. بر این اساس مولفه تعاملات اجتماعی، بیشترین رتبه را در ایجاد تغییرات سرمایه فرهنگی خانواده تبیین نمود. این تحقیق جایگاه ارزشی هر یک از متغیرهای مستقل را در وضعیت موجود و مطلوب مشخص نموده و می‌تواند زمینه‌ای برای سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در حوزه خانواده را فراهم آورد. اهمیت مولفه دموکراتیک بودن خانواده، بالاترین و مولفه مشارکت فرهنگی، پایین‌ترین رتبه را در بررسی شرایط مطلوب از نظر خانواده بدست آورد. همچنین وضعیت موجود دانش‌سلامتی خانواده در بهترین وضعیت، و وضعیت موجود امکانات فرهنگی در بدترین وضعیت قرار دارد.

برینهالت و جاگر<sup>۱</sup> (۲۰۲۰)، در پژوهشی تحت عنوان تأثیر سرمایه فرهنگی بر عملکرد آموزشی: سیگنال‌ها یا مهارت‌ها چگونه است؟ دریافتند که (۱) هیچ یک از سه جنبه سرمایه فرهنگی که ما در نظر داریم بر ارزیابی معلمان از مهارت‌های علمی کودکان تأثیر نمی‌گذارد. (۲) علاقه به مطالعه اثر مثبت مستقیمی بر عملکرد آموزشی دارد. و (۳) تأثیر مستقیم علاقه به خواندن بر عملکرد آموزشی به بستر مدرسه بستگی ندارد.

آوسی<sup>۲</sup> (۲۰۲۰)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و خودکارآمدی: یک مطالعه طراحی مختلط برای معلمان دریافتند که درک خودکارآمدی معلمان "نسبتاً کافی" بوده و صلاحیت سرمایه فرهنگی آن‌ها "متوسط" است. هنگامی که رابطه

<sup>1</sup> Breinholt & Jæger

<sup>2</sup> Avci

بین درک خودکارآمدی معلمان و شایستگی‌های سرمایه فرهنگی موردبررسی قرار می‌گیرد، مشاهده می‌شود که در سطح "متوسط" رابطه "مثبت" وجود دارد.

میکوس<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۰)، در پژوهشی تحت عنوان تبدیل کودکان از سرمایه فرهنگی به موفقیت آموزشی: کارکردهای نمادین و مهارت‌آمیز سرمایه فرهنگی دریافته‌اند که یک توضیح برجسته از نابرابری آموزشی بین نسلی، نظریه تولید مثل فرهنگی بورديو است. تایچ مدل معادلات ساختاری ما نشان می‌دهد که هر دو مکانیسم در کار هستند و مکانیسم تبدیل اصلی به ابعاد سرمایه فرهنگی موردبررسی بستگی دارد.

هملین<sup>۲</sup> (۲۰۱۹)، در پژوهشی تحت عنوان آیا دانش‌آموزان شاغل در خانه برای دستیابی به سرمایه‌های فرهنگی فرصت‌هایی ندارند؟ شواهدی از یک نظرسنجی نماینده ملی در مورد خانواده‌های آمریکایی دریافته‌اند که نسبت به خانواده‌های مدارس دولتی، خانواده‌های مدارس خانگی مشارکت آماری بالاتری را در فعالیت‌های فرهنگی و خانوادگی گزارش می‌دهند.

حوریه<sup>۳</sup> (۲۰۱۹)، در پژوهشی تحت عنوان ظهور طبقه اجتماعی و نمایندگی‌ها در فرآیندهای توسعه سرمایه فرهنگی: یک مطالعه تجربی کارآفرینان زن مهاجر ترکیه در سوئد دریافت که با پیوند دادن پیش مهاجرت و زندگی پس از مهاجرت به طریق تجزیه و تحلیل کلاس بورديو، این تجزیه و تحلیل، سه نوع متمایز از هویت میان شهری زنان ایجاد کرد که از طریق همکاری با برخی از شرایط و شرایط تاریخی و فرهنگی مشخص شده است که به‌عنوان مهاجران (مهاجران) (زنان) کارآفرینان و کارآفرینان ترکیبی.

چارچوب نظری و مدل مفهومی پژوهش

در پژوهش حاضر، محقق به مقوله نقش توسعه سرمایه فرهنگی در نظام آموزش و پرورش پرداخت. با توجه به مرور ادبیات پژوهش می‌توان دریافت که بچه‌ها سرمایه فرهنگی را یا به‌طور غیرارادی از طریق قرار گرفتن در معرض سرمایه فرهنگی والدین و یا به‌طور فعال از طریق تلاش‌های عمدی والدین برای انتقال سرمایه فرهنگی به بچه‌ها، از والدینشان به ارث می‌برند. همچنین، نظام آموزشی برای به رسمیت شناختن و پاداش دادن به سرمایه فرهنگی طراحی شده است. این مکانیسم ساختاری نشان می‌دهد که معلمان و سایر دروازه بانان به‌طور سیستماتیک، سرمایه فرهنگی بچه‌ها را اشتباه تفسیر می‌کنند، یعنی آشنایی با علائم فرهنگی پایگاه بالا را به‌عنوان نشانه‌های درخشش علمی واقعی تلقی کرده و برداشت سو یافته‌ای در مورد رشد رو به بالای بچه‌ها صورت می‌گیرد. این برداشت‌های سو یافته در مورد پیشرفت رو به بالای این کودکان، محصول عملکرد مثبت و احتمالاً تجمعی است، زیرا کودکانی که دارای سرمایه فرهنگی هستند از مراحل بسیار زود در دوره آموزشی، رفتارهای مبتنی بر امتیاز از معلمان و همسالانشان دریافت می‌کنند. در نتیجه، بازده‌های سرمایه فرهنگی نمادین‌اند، مانند تجلی درخشش علمی، همچنین، محسوس‌اند، همچون رشد علمی بهتر به دلیل رفتار مبتنی بر امتیاز معلمان و کسب توجه بیشتر از جانب معلمان و همسالان.

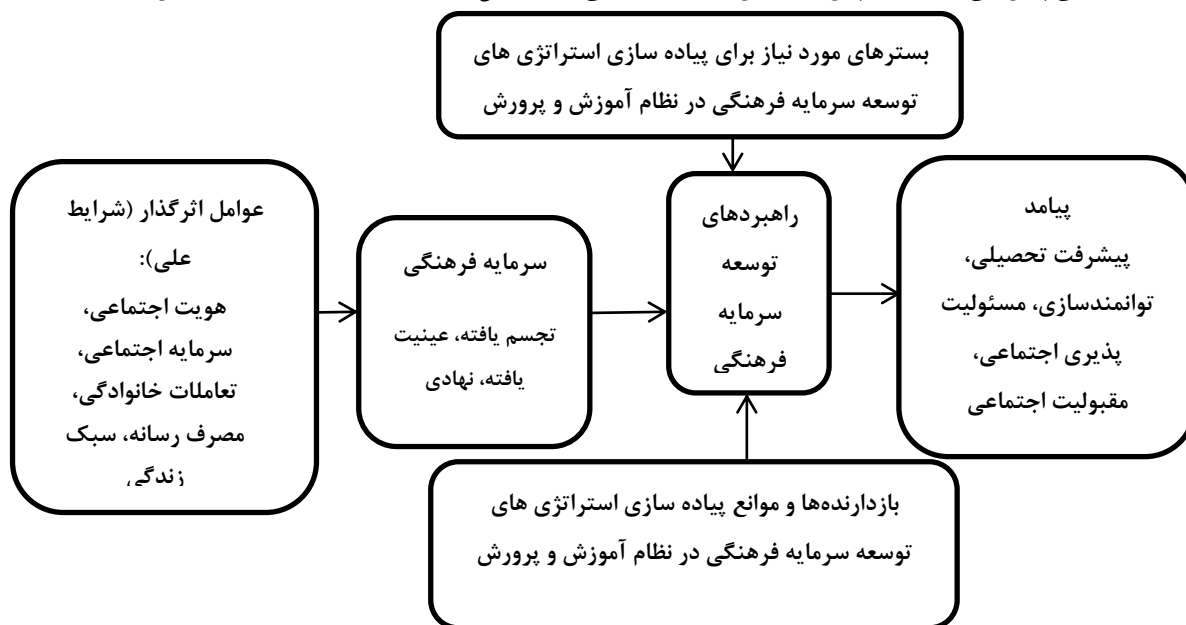
علاوه بر مؤلفه‌های گفته‌شده، برخی از پژوهشگران به مؤلفه‌های اثرگذار و اثرپذیر اشاره کرده‌اند. یکی از آن‌ها یزدان پناه و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی دریافته‌اند که بین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن با مقبولیت اجتماعی رابطه و تأثیر معناداری وجود دارد. بابایی فرد و حیدریان (۱۳۹۴)، در پژوهشی دریافته‌اند که بین مشارکت آموزشی و فرهنگی، مصرف کالاهای فرهنگی، رفتارها و رویه‌های فرهنگی، ارزش‌های تحصیلی و شغلی خانواده، تأثیرپذیری دانشجویان از رسانه‌های ارتباط جمعی و سرمایه فرهنگی دانشجویان و پیشرفت تحصیلی آن‌ها رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. به‌طور کلی، از نظر میزان اهمیت و تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پژوهش، در تحلیل چند متغیره و تحلیل مسیر، مهم‌ترین متغیرها، به ترتیب، عبارت‌اند از: ۱- سرمایه فرهنگی، ۲- مشارکت آموزشی و فرهنگی، ۳- تأثیرپذیری از رسانه‌های ارتباط جمعی. سپهرنیا و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی دریافته‌اند که میان متغیر آموزش و ارتقاء سرمایه فرهنگی در ایران همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد و شاخص‌های آموزش به‌درستی می‌توانند ارتقاء سرمایه

<sup>1</sup> Mikus

<sup>2</sup> Hamlin

<sup>3</sup> Huriye

فرهنگی در ایران را پیش‌بینی و تبیین نمایند. این یافته‌ها نقش آموزش را به‌عنوان یک فاکتور ارتقاء بخش سرمایه فرهنگی در برنامه‌ریزی‌های نظام آموزشی و فرهنگی در ایران برجسته‌تر می‌نماید. بر این اساس می‌توان مدل مفهومی اولیه پژوهش حاضر را به شکل زیر ترسیم کرد، لازم به ذکر است که در این مدل، با توجه به مبانی نظری، عوامل اثرگذار، اثرپذیر و ابعاد تشکیل‌دهنده متغیر سرمایه فرهنگی پیش‌بینی شده است. پس از گرفتن نظر خبرگان می‌توان عوامل بستر، بازدارنده، راهبردار را مشخص کرد.



شکل (۱): مدل مفهومی اولیه پژوهش برگرفته از مبانی نظری و پیشینه تحقیق

### روش پژوهش

با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر طراحی الگوی توسعه سرمایه فرهنگی در نظام آموزش و پرورش بود؛ روش پژوهش برحسب هدف، کاربردی می‌باشد. پژوهش حاضر برحسب نوع داده، آمیخته (کیفی-کمی) از نوع اکتشافی می‌باشد. پژوهش حاضر برحسب زمان گردآوری داده، مقطعی و برحسب روش گردآوری داده‌ها و یا ماهیت و روش پژوهش، توصیفی پیمایشی بود. جامعه و نمونه آماری این پژوهش در دو بخش کیفی و کمی در ادامه تشریح می‌شود: جامعه آماری بخش کیفی پژوهش شامل خبرگان، متخصصین و افراد آگاه در حوزه‌های آکادمیک شامل مسئولین آگاه وزارت آموزش و پرورش در زمینه سرمایه فرهنگی بود. ویژگی‌های خبرگان پژوهش که به تأیید اساتید راهنما و مشاور رسیده بود، افرادی بودند که از نظر آگاهی و اطلاعات در زمینه توسعه سرمایه فرهنگی برجسته بوده و این که بتوانند با ارائه اطلاعات دقیق نمادی از جامعه باشند. برای تعیین نمونه‌های این پژوهش و تعیین این گروه از خبرگان از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی هدفمند<sup>۱</sup> استفاده شد. در مجموع در این پژوهش تعداد ۲۰ نفر به‌عنوان مصاحبه‌شونده با توجه به اصل اشباع در نظر گرفته شد. گروه دوم از جامعه آماری این پژوهش، شامل تمام مدیران دبیرستان دور دوم متوسطه در شهر تهران به تعداد ۱۱۹۹ نفر بود. در نمونه‌گیری تصادفی احتمال انتخاب شدن برای همه اعضای جامعه یکسان و معلوم است. در این پژوهش نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای انتخاب شد. با توجه به ماهیت متفاوت مدارس، با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) و در ابتدا از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای، ۲۹۰ نفر به‌عنوان آزمودنی انتخاب شد. لازم به ذکر است که به‌منظور تعمیم‌پذیری بیشتر و جلوگیری از ریزش حجم نمونه ۳۰۰ پرسشنامه در میان آزمودنی‌ها توزیع و از این میان ۱۰ پرسشنامه به دلیل ناقص بودن کنار گذاشته شد و عملیات آماری بر روی ۲۹۰ آزمودنی صورت گرفت. هم‌چنین نتایج آزمون KMO در فصل چهارم نشان داد این حجم از نمونه به‌منظور اجرای آزمون‌های آماری نظیر تحلیل عاملی اکتشافی کفایت دارد. به‌طور کلی روش نمونه‌گیری در این پژوهش تصادفی خوشه‌ای (بدین ترتیب که بر اساس پراکنندگی جغرافیایی دبیرستان‌ها در شهر تهران، ابتدا، تهران به مراکز شمال، جنوب،

<sup>1</sup> Goal oriented

شرق، غرب و مرکز تقسیم و در هر بخش، واحدهای دبیرستانی انتخاب و بر اساس نمونه گیری تصادفی دانش آموزان واحدها انتخاب شد. حجم نمونه تعیین خواهند بود. در بخش کیفی این پژوهش از مصاحبه های نیمه ساختاریافته استفاده شد. پژوهشگر پس از هماهنگی های لازم در محل کار مصاحبه شونده حضور یافته و با استفاده از ضبط صوت و با کسب اجازه از مصاحبه شونده مکالمات مصاحبه را ضبط کرد تا کدها را استخراج کند و البته این عمل بعد از هر بار مصاحبه صورت گرفت. شایان ذکر است که مدت زمان انجام مصاحبه بین ۳۰ تا ۹۰ دقیقه بود و فرایند مصاحبه در اواسط پاییز ۱۳۹۸ اجرا شد. مرحله کمی پژوهش شامل پرسشنامه است که از دو بخش اطلاعات جمعیت شناختی و پرسشنامه محقق ساخته شامل ۱۸۵ گویه با طیف پنج گزینه ای لیکرت می باشد که با مرور مبانی نظری و عملی و نیز نتایج مصاحبه های اکتشافی (با کد گذاری باز و محوری متون مصاحبه اکتشافی)، تدوین شده است. در این پژوهش پایایی از طریق ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی<sup>۱</sup> محاسبه می شود. مقادیر این دو ضریب برای همه متغیرهای پژوهش بالای ۰/۷ به دست آمد که نشان دهنده پایا بودن ابزار اندازه گیری بود. با توجه به جدول فوق می توان گفت: پایایی ابعاد مورد تأیید است زیرا آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی بالای ۰/۷ است و همچنین  $AVE > 0.5$  است. روایی همگرا مورد تأیید است، زیرا  $CR > 0.7$ ؛  $CR > AVE$ ،  $AVE > 0.5$  و همین طور روایی واگرا نیز مورد تأیید است زیرا  $MSV < AVE$  و  $ASV < AVE$ .

### یافته های پژوهش

حال می خواهیم به این سؤالات پژوهش پاسخ دهیم که شاخص ها و مؤلفه های عوامل علی، تشکیل دهنده و پیامدهای سرمایه فرهنگی کدامند؟ تحلیل پاسخ های جمع آوری شده از پرسشنامه خبرگان به این سؤال جواب خواهد داد.

در عرصه پژوهش، محققان برای بررسی دیدگاه های افراد در پژوهش های پیمایشی و انواع پژوهش های کیفی، از مصاحبه استفاده می کنند. مصاحبه، از فنون یا ابزارهای متداول جمع آوری داده های پژوهشی است که با گسترش رویکردهای کیفی و رویکردهای تلفیقی (کمی و کیفی) در سال های اخیر به طور فزاینده ای بدان توجه شده است. با طرح انتقادات درباره ی به کارگیری رویکرد کمی در تحقیقات تربیتی و گسترش توجه به پژوهش های کیفی و پژوهش های تلفیقی، به مصاحبه بیش از پیش توجه شده است. به کارگیری مصاحبه به منظور دستیابی به نتایجی که از قابلیت اعتماد مناسبی برخوردار باشد، نیازمند آشنایی با روش های انجام مصاحبه و داشتن مهارت در تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده از این طریق است.

مراحل کد گذاری مورد استفاده در پژوهش های کیفی شامل کد گذاری باز بر مبنای مقولات استخراج شده از مطالعه مقدماتی مبانی نظری تحقیق کد گذاری باز، کد گذاری محوری و کد گذاری انتخابی می باشد. با توجه به داده های جمع آوری شده در فرمت مصاحبه که با فرایند تطبیق مستمر به نقطه اشباع نظری رسیده است بعد از تعریف سؤالات اصلی پژوهش (مصاحبه) که برای آن ها مقیاس کمی تعریف شده است، می توان کد گذاری مصاحبه های جمع آوری شده را با تعریف ویژگی ها و ابعاد آن و نمودارهای توصیف کننده این ویژگی ها شروع کرد.

بنابراین، در گام اول لازم است تا واحدهای معنایی شناسایی شود که البته انتخاب واحدهای معنایی به تأیید اساتید راهنما و مشاور رسیده است که در جدول زیر قابل رؤیت است. بعد از کد گذاری واحدهای معنایی و رسیدن به حد اشباع (زمانی که از تحلیل متن یا مصاحبه های جدید، مقولات یا کدهای جدیدی به دست نیاید)، بر اساس مشابهت کدها به یکدیگر مقوله بندی شدند و در نهایت ۱۱ مقوله از داده های کیفی پدیدار شدند. نتایج حاصل از تحلیل عاملی نشان می دهد که از میان ۱۸۵ شاخص (گویه) موجود، ۱۱ مؤلفه اصلی قابل شناسایی است. بر اساس ادبیات، پیشینه و نظریه های موجود این مؤلفه ها در جدول زیر نام گذاری شده اند.

<sup>1</sup> Composite Reliability (CR)

<sup>2</sup> Maximum Shared Squared Variance (MSV)

<sup>3</sup> Average Shared Squared Variance (ASV)

جدول (۱): مؤلفه‌های شناسایی شده بر اساس ادبیات، پیشینه و نظریه‌های موجود

تعداد گویه	مؤلفه	بعد	سازه
۶	سرمایه فرهنگی تجسم یافته	_____	سرمایه فرهنگی
۶	سرمایه فرهنگی عینیت یافته		
۱۰	سرمایه فرهنگی نهادی		
۱۰	فردی	هویت اجتماعی	عوامل علی
۱۰	جمعی		
۵	اعتماد	سرمایه اجتماعی	
۴	گروه‌ها و شبکه‌ها		
۴	همکاری		
۴	روابط		
۳	ارزش‌ها		
۴	فهم متقابل		
۴	تعهد	تعاملات خانوادگی	
۱۰	_____		
۴	اینترنت	مصرف رسانه	
۳	رسانه خارجی		
۴	رسانه داخلی		
۶	_____	سبک زندگی	
۱۲	تلاش برای برتری	پیشرفت تحصیلی	پیامدها
۶	تمایل به یادگیری		
۶	انگیزه شخصی		
۳	احساس معنی‌داری	توانمندسازی دانش‌آموزان	
۴	احساس خود اثربخشی		
۴	احساس شایستگی		
۴	احساس خود تعیینی		
۴	مهارت‌های زندگی		
۴	مهارت‌های حرفه‌ای و کارآفرینی		
۲۵	_____	مسئولیت‌پذیری اجتماعی	
۸	_____	مقبولیت اجتماعی	
۸	_____	شادی دانش‌آموزان	

برای اینکه بدانیم وضعیت مؤلفه‌های شناسایی شده عوامل علی، پیامدها و ابعاد شناسایی شده نقش سرمایه فرهنگی در نظام آموزش و پرورش بر اساس مبانی نظری به چه میزان است، با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها و مقیاس فاصله‌ای متغیرها از آزمون t استفاده شد. در این قسمت با توجه به اینکه مقیاس ۵ درجه‌ای است، ارزش عددی برای مقایسه با آماره تی را عدد ۳ در نظر گرفتیم. در ادامه فرض صفر و پژوهش برای این سؤال آورده شده است:

$$H_0: \mu = 3$$

$$H_1: \mu \neq 3$$



نتیجه آزمون تی تک نمونه‌ای در جدول زیر آورده شده است.

جدول (۲): آزمون تی تک نمونه‌ای به منظور بررسی وضعیت موجود

متغیر	بعد	مؤلفه	ارزش آزمون = ۳			
			مقدار تی	Sig.	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد از اختلاف حد بالا / حد پایین
سرمایه فرهنگی		سرمایه فرهنگی تجسم یافته	۷,۴۲	۰,۰۰۰	۰,۳۱	۰,۲۳ / ۰,۴۰
		سرمایه فرهنگی عینیت یافته	۱۰,۳۵	۰,۰۰۱	۱,۵۵	۰,۶۸ / ۱,۰۰
		سرمایه فرهنگی نهادی	۳,۰۳	۰,۰۰۳	۰,۱۳	۰,۰۴ / ۰,۲۱
عوامل علی		هویت اجتماعی	۴۹,۳۹	۰,۰۰۰	۱,۵۲	۱,۴۶ / ۱,۵۸
		سرمایه اجتماعی	۴۷,۱۶	۰,۰۰۰	۱,۴۶	۱,۴۰ / ۱,۵۳
		تعاملات خانوادگی	۴۴,۷۱	۰,۰۰۰	۱,۳۷	۱,۳۱ / ۱,۴۳
		مصرف رسانه	۷,۱۵	۰,۰۰۰	۰,۳۲	۰,۲۳ / ۰,۴۱
		سبک زندگی	۹,۸۹	۰,۰۰۰	۰,۴۳	۰,۳۴ / ۰,۵۱
		پیشرفت تحصیلی	۳۹,۴۱	۰,۰۰۰	۱,۲۴	۱,۱۷ / ۱,۳۰
پیامدها		توانمندسازی دانش‌آموزان	۴۳,۲۳	۰,۰۰۰	۱,۴۰	۱,۳۳ / ۱,۴۶
		مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۴۵,۵۱	۰,۰۰۰	۱,۴۱	۱,۳۵ / ۱,۴۸
		مقبولیت اجتماعی	۳,۹۹	۰,۰۰۰	۰,۱۷	۰,۰۸ / ۰,۲۵
		شادی دانش‌آموزان	۸,۳۲	۰,۰۰۰	۰,۳۹	۰,۳۰ / ۰,۴۹

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، سطح معناداری در همه ابعاد و مؤلفه‌ها کمتر از پنج صدم می‌باشد و بنابراین فرض صفر با ۹۵ درصد اطمینان برای این مؤلفه‌ها رد و فرض پژوهش تأیید می‌شود. همچنین، با توجه به اختلاف میانگین که مقادیری مثبت هستند، چنین استنباط می‌شود که وضعیت مؤلفه‌ها و ابعاد در وضعیت مطلوب می‌باشد.

برای پاسخ به سؤال فوق با توجه به اینکه مقیاس اندازه‌گیری فاصله‌ای بود و همچنین توزیع داده‌ها نرمال بود از آزمون‌های پارامتریک مناسب که همبستگی پیرسون است استفاده شد که نتایج در جدول زیر قابل مشاهده است:

قبل از اجرای تحلیل عاملی همبستگی بین ابعاد عوامل علی، پیامدهای نقش سرمایه فرهنگی در نظام آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن در جدول زیر آورده شده است.

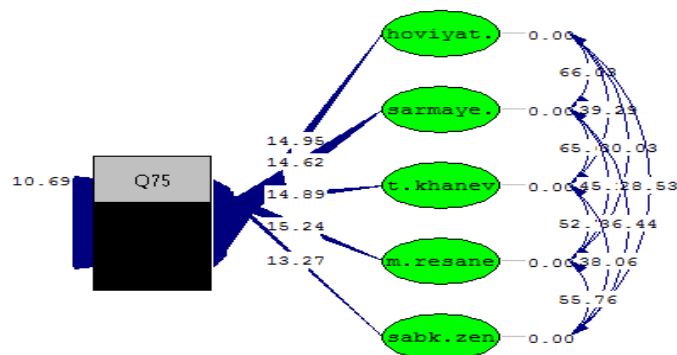
جدول (۳): همبستگی بین ابعاد عوامل علی، پیامدهای نقش سرمایه فرهنگی در نظام آموزش و پرورش

سرمایه فرهنگی					
نهادی	عینیت یافته	تجسم یافته			
**۰,۷۰۰	**۰,۸۲۱	**۰,۸۷۶	همبستگی	هویت اجتماعی	
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	سطح معناداری		
**۰,۶۱۰	**۰,۸۵۳	**۰,۸۱۹	همبستگی	سرمایه اجتماعی	
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	سطح معناداری		
**۰,۴۲۶	**۰,۸۰۳	**۰,۸۱۲	همبستگی	تعاملات خانوادگی	
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	سطح معناداری		
**۰,۶۴۳	**۰,۸۷۱	**۰,۸۲۳	همبستگی	مصرف رسانه	
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	سطح معناداری		
**۰,۳۹۸	**۰,۸۰۱	**۰,۸۳۳	همبستگی	سبک زندگی	
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	سطح معناداری		
**۰,۴۲۹	**۰,۸۱۱	**۰,۷۸۴	همبستگی	پیشرفت تحصیلی	پیامدهای

۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	سطح معناداری	
**۰,۸۴۵	**۰,۸۵۵	**۰,۷۶۸	همبستگی	توانمندسازی دانش آموزان
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	سطح معناداری	
**۰,۶۳۹	**۰,۷۴۳	**۰,۶۳۳	همبستگی	مسئولیت پذیری اجتماعی
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	سطح معناداری	
**۰,۲۷۰	**۰,۷۴۸	**۰,۸۲۰	همبستگی	شادی دانش آموزان
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	سطح معناداری	
**۰,۷۳۳	**۰,۶۹۱	**۰,۶۸۸	همبستگی	مقبولیت اجتماعی
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	سطح معناداری	

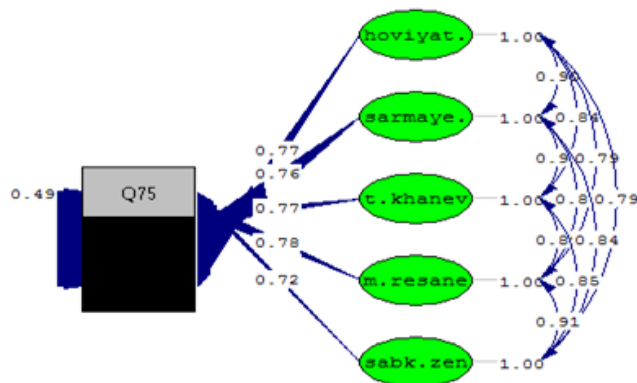
همان‌طور که از جدول فوق مشخص است، علامت \* نشان‌دهنده وجود همبستگی بین متغیرهای پژوهش در سطح ۰,۰۱ را نشان می‌دهد. یعنی، بین ابعاد عوامل علی، پیامدهای سرمایه فرهنگی در نظام آموزش و پرورش رابطه مستقیم وجود دارد. شدت رابطه نیز از جدول فوق قابل مشاهده است.

برآوردهای پارامتر استاندارد شده در شکل زیر نشان می‌دهد که همه شاخص‌ها از لحاظ آماری معناداری هستند و بارهای عاملی آن در سطح بالایی قرار دارند. بررسی نتایج شاخص‌های برازش حاکی از برازش مناسب مدل می‌باشد. شکل زیر مربوط به مدل نهایی عوامل اثرگذار است. مقدار کای اسکوئر بر درجه آزادی مدل حاضر ۲,۹۱ و مقدار RMSEA برابر ۰,۰۸۴ می‌باشد.



Chi-Square=7848.25, df=2690, P-value=0.00000, RMSEA=0.084

نمودار (۱): مدل عوامل علی در حالت ضرایب استاندارد



Chi-Square=7848.25, df=2690, P-value=0.00000, RMSEA=0.084

نمودار (۲): مدل عوامل علی در حالت معناداری ضرایب

در جدول زیر، مهم‌ترین و متداول‌ترین شاخص‌های برازش آورده شده است. همان‌گونه که در جدول دیده می‌شود، تقریباً تمامی شاخص‌ها کفایت آماری دارند. بنابراین، با اطمینان بسیار بالایی می‌توان دریافت محقق در مورد این شاخص‌ها به برازش کامل دست یافته است.

جدول (۴): گزیده‌ای از شاخص‌های برازش مهم مدل تریسمی

شاخص	نام شاخص	اختصار	مقدار	برازش قابل قبول
شاخص‌های برازش مطلق	سطح تحت پوشش (کای اسکوتر)	-	۷۸۴۸,۲۵	
	شاخص نیکویی برازش	GFI	۰,۹۵	بزرگ‌تر از ۰,۹
شاخص‌های برازش تطبیقی	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	AGFI	۰,۹۳	بزرگ‌تر از ۰,۹
	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰,۹۷	بزرگ‌تر از ۰,۹
شاخص‌های برازش مقتصد	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰,۰۸۴	کمتر از ۰,۱

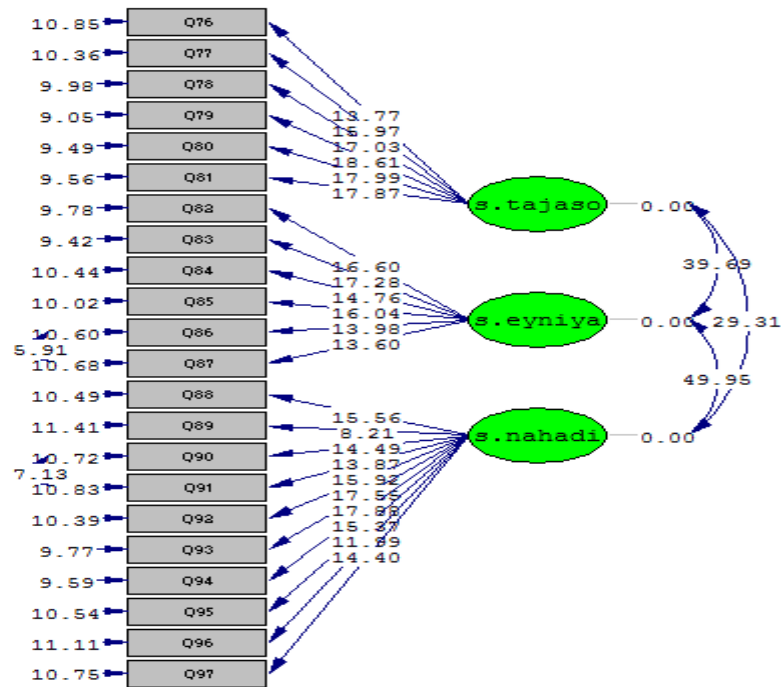
### • سرمایه فرهنگی

مدل سرمایه فرهنگی توسط ۲۲ گویه اندازه‌گیری می‌شود. ابتدا، آزمون تحلیل عاملی بر روی سرمایه فرهنگی انجام شد. برآوردهای پارامتر استاندارد شده در شکل زیر نشان می‌دهد که همه شاخص‌ها از لحاظ آماری معناداری هستند و بارهای عاملی آن در سطح بالایی قرار دارند. بررسی نتایج شاخص‌های برازش حاکی از برازش مناسب مدل می‌باشد.

جدول (۵): گویه‌های تأیید شده سرمایه فرهنگی

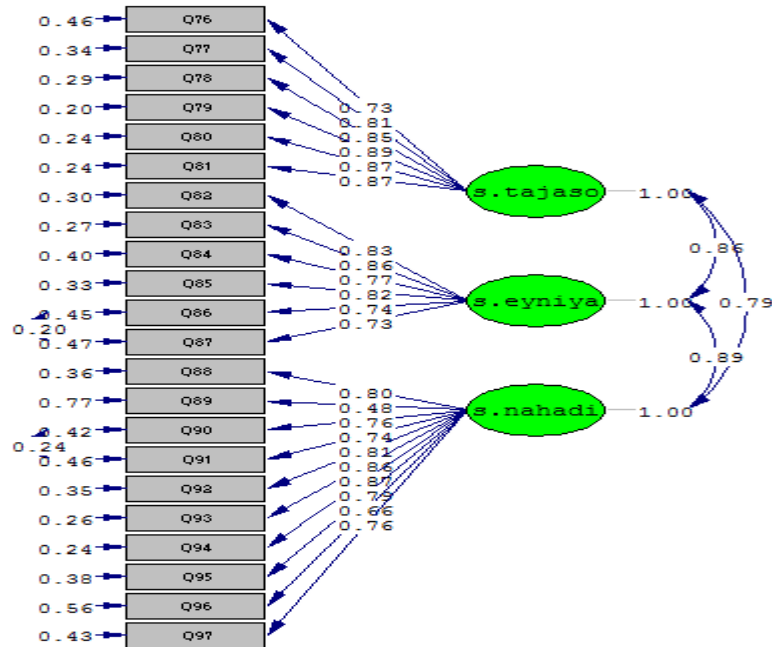
مؤلفه	برچسب	گویه	برچسب گویه	بارهای عاملی	مقدار t	وضعیت گویه
سرمایه فرهنگی تجسم یافته	s.tajasom	سؤال ۱	Q76	۰,۷۳	۱۳,۷۷	تأیید شد
		سؤال ۲	Q77	۰,۸۱	۱۵,۹۷	تأیید شد
		سؤال ۳	Q78	۰,۸۵	۱۷,۰۳	تأیید شد
		سؤال ۴	Q79	۰,۸۹	۱۸,۶۱	تأیید شد
		سؤال ۵	Q80	۰,۸۷	۱۷,۹۹	تأیید شد
		سؤال ۶	Q81	۰,۸۷	۱۷,۸۷	تأیید شد
سرمایه فرهنگی عینیت یافته	s.eyniyat	سؤال ۷	Q82	۰,۸۳	۱۶,۶۰	تأیید شد
		سؤال ۸	Q83	۰,۸۶	۱۷,۲۸	تأیید شد
		سؤال ۹	Q84	۰,۷۷	۱۴,۷۶	تأیید شد
		سؤال ۱۰	Q85	۰,۸۲	۱۶,۰۴	تأیید شد
		سؤال ۱۱	Q86	۰,۷۴	۱۳,۹۸	تأیید شد
		سؤال ۱۲	Q87	۰,۷۳	۱۳,۶۰	تأیید شد
سرمایه فرهنگی نهادی	s.nahadi	سؤال ۱۳	Q88	۰,۸۰	۱۵,۵۶	تأیید شد
		سؤال ۱۴	Q89	۰,۴۸	۸,۲۱	تأیید شد
		سؤال ۱۵	Q90	۰,۷۶	۱۴,۴۹	تأیید شد
		سؤال ۱۶	Q91	۰,۷۴	۱۳,۸۷	تأیید شد
		سؤال ۱۷	Q92	۰,۸۱	۱۵,۹۲	تأیید شد
		سؤال ۱۸	Q93	۰,۸۶	۱۷,۵۵	تأیید شد
		سؤال ۱۹	Q94	۰,۸۷	۱۷,۸۸	تأیید شد
		سؤال ۲۰	Q95	۰,۷۹	۱۵,۳۷	تأیید شد
		سؤال ۲۱	Q96	۰,۶۶	۱۱,۹۹	تأیید شد
		سؤال ۲۲	Q97	۰,۷۶	۱۴,۴۰	تأیید شد

شکل زیر مربوط به مدل نهایی سرمایه فرهنگی است. مقدار کای اسکوئر بر درجه آزادی مدل حاضر ۲,۹۲ و مقدار RMSEA برابر ۰,۰۸۵ می‌باشد.



Chi-Square=596.77, df=204, P-value=0.00000, RMSEA=0.085

نمودار (۳): مدل سرمایه فرهنگی در حالت ضرایب استاندارد



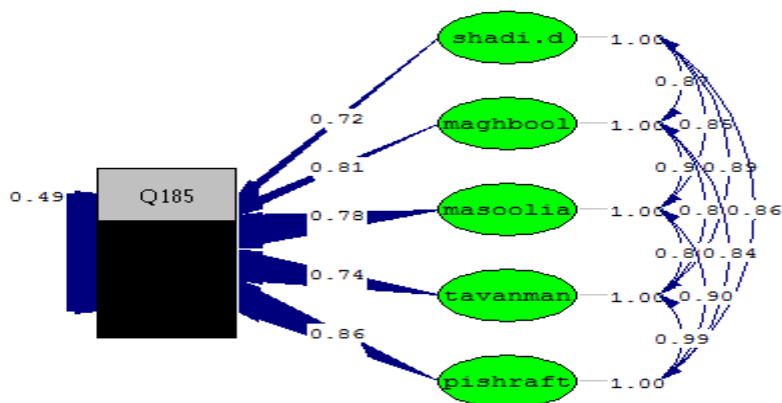
Chi-Square=596.77, df=204, P-value=0.00000, RMSEA=0.085

نمودار (۴): مدل سرمایه فرهنگی در حالت معناداری ضرایب

در جدول زیر، مهم‌ترین و متداول‌ترین شاخص‌های برازش آورده شده است. همان‌گونه که در جدول دیده می‌شود، تقریباً تمامی شاخص‌ها کفایت آماری دارند. بنابراین، با اطمینان بسیار بالایی می‌توان دریافت محقق در مورد این شاخص‌ها به برازش کامل دست یافته است.

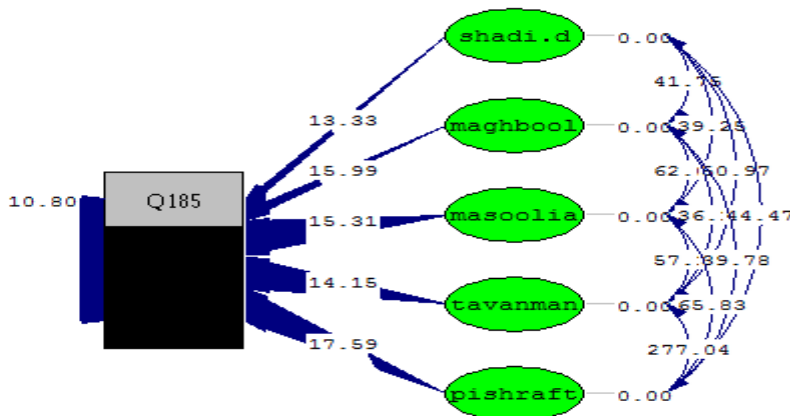
• پیامدها

مدل پیامدهای سرمایه فرهنگی توسط ۸ گویه اندازه گیری می شود. ابتدا، آزمون تحلیل عاملی بر روی پیامدها انجام شد. برآوردهای پارامتر استاندارد شده در شکل زیر نشان می دهد که همه شاخص ها از لحاظ آماری معناداری هستند و بارهای عاملی آن در سطح بالایی قرار دارند. بررسی نتایج شاخص های برازش حاکی از برازش مناسب مدل می باشد. شکل زیر مربوط به مدل نهایی پیامدها است. مقدار کای اسکوئر بر درجه آزادی مدل حاضر ۲,۹۹ و مقدار RMSEA برابر ۰,۰۸۲ می باشد.



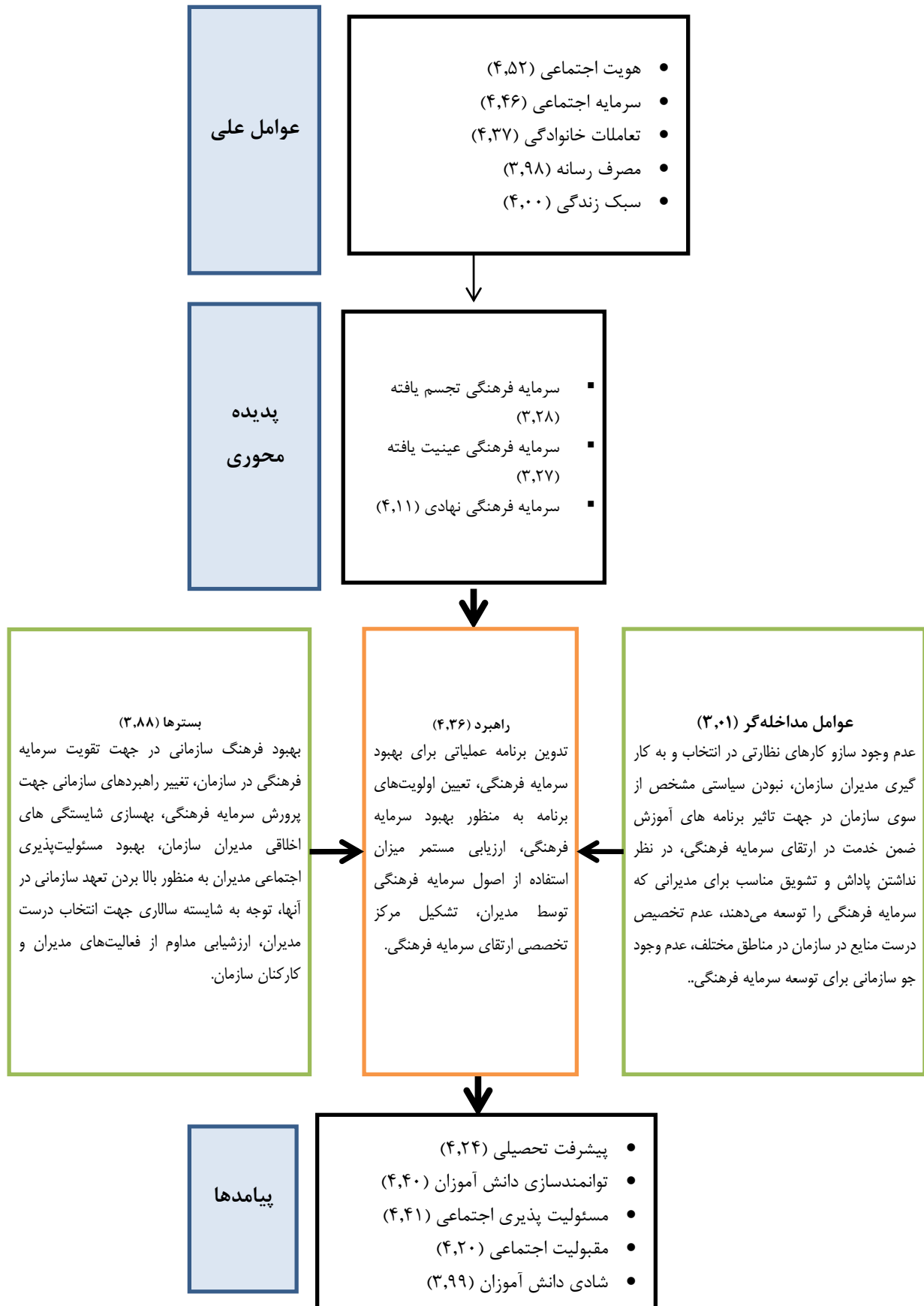
Chi-Square=14162.68, df=4730, P-value=0.00000, RMSEA=0.082

نمودار (۵): مدل پیامدها در حالت ضرایب استاندارد



Chi-Square=14162.68, df=4730, P-value=0.00000, RMSEA=0.082

نمودار (۶): مدل پیامدها در حالت معناداری ضرایب



## نتیجه گیری و پیشنهادها

با بررسی سؤال اول پژوهش مبنی بر شناخت شاخص‌ها، مؤلفه‌های تبیین نقش سرمایه فرهنگی در نظام آموزش و پرورش. پس از تجزیه تحلیل داده‌ها بر اساس تحلیل عاملی معین شد که عوامل از عوامل تشکیل‌دهنده آن می‌باشند. بر این اساس، باید به تبیین این مؤلفه‌های پرداخته شود تا موضوع هرچه بیشتر مورد تأمل قرار گیرد. اما قبل از پرداختن به این مؤلفه‌ها، باید ابتدا مختصری به بررسی نقش سرمایه فرهنگی در نظام آموزش و پرورش از دید کلی پرداخته می‌شود. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد،

سیر آموزش توسعه منابع انسانی با تمرکز بر دانش و مهارت‌ها، ارتباط بین این آموزش‌ها و نیازهای سازمانی و اجتماعی و کاربری آموزش‌ها برای تولید و تسهیم آموزش الزامی است. با توجه به نگرش نوین به آموزش، نقش آموزش صرفاً انتقال دانش و مهارت با توجه به فضای دانشی، زمینه را برای پرورش این منابع فراهم می‌سازد. با توجه به موارد بالا، قابل ذکر است که آموزش و توسعه منابع انسانی در سازمان‌ها با نگرش سیستمی موجب می‌شود، در عرصه ملی، محلی و منطقه‌ای برای ابقا بکوشند و توسعه یابند. با توجه به دانش و فناوری آموزش مستمر و مداوم توسعه‌یافته و امکان کاربری آن نیز به‌طور مؤثر فراهم می‌شود. عدم هماهنگی و هم‌خوانی نظام آموزش رسمی با نیازها و انتظارات و عدم پرورش نیروی انسانی برخوردار از مهارت‌ها، دانش و نگرش‌های کاربردی و موردنیاز شاغلان، ضرورت سرمایه‌گذاری سازمان‌ها در آموزش نیروی انسانی را دو چندان می‌کند.

در آموزش باید علاوه بر ارائه مطالب و اطلاعات جدید، مهارت و توانایی استفاده از آموخته‌ها نیز ارائه شود. مهارت‌های گفتن، شنیدن، نوشتن، ارتباط برقرار کردن و از همه مهم‌تر مهارت حل مسئله باید به مواد آموزشی اضافه شود، بدین معنی که به افراد قدرت تجزیه و تحلیل مسائل ارائه شود. یک برنامه‌ریزی موفق آموزشی شامل کتاب، هدف، محتوا، روش‌های تدریس و همچنین ارزشیابی و سنجش از اصول انکارناپذیر این برنامه‌ریزی است.

در پژوهش حاضر علاوه بر موارد فوق به عوامل اثرپذیر از نقش سرمایه فرهنگی در نظام آموزش و پرورش نیز اشاره شد و مؤلفه‌های پیشرفت تحصیلی، توانمندسازی دانش‌آموزان، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مقبولیت اجتماعی و شادی دانش‌آموزان مورد شناسایی قرار گرفت.

سرمایه فرهنگی برخاسته از سه منشأ گوناگون شامل: پرورش خانوادگی و اجتماعی (طبقاتی)، آموزش‌های رسمی و مهارت‌های کسب‌شده از طریق آموزش و فرهنگ شغلی است. انباشت سرمایه فرهنگی در افراد از طریق این سه منبع سبب بروز تفاوت‌هایی در دارندگان سرمایه فرهنگی و کسانی که فاقد آن هستند می‌شود. لذا ضرورت آموزش در ارتقاء سرمایه فرهنگی بورديو نه تنها در راستای افزایش سرمایه موروثی خانواده، بلکه در راستای تولید مخاطب فرهنگ و کالاهای فرهنگی و هنری و آموزش کدهای فرهنگی در راستای تحقق سرمایه نمادین مؤثر بوده و می‌تواند به‌نوعی باعث ارتقاء دانش‌های فرهنگی، صلاحیت و توانایی‌ها در کنار افزایش تحصیلات و امکان دستیابی به موفقیت‌های آموزشی و شغلی راهگشا و اثربخش باشد.

انسان در هر جامعه‌ای از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوتی برخوردار است. در واقع انسان‌ها دارای منزلت اجتماعی و سرمایه‌های متمایز از یکدیگر هستند که این سرمایه‌ها تأمین‌کننده منزلت او در جامعه می‌باشند. در این رهگذر، فرهنگ و سرمایه‌های فرهنگی وی رفتارها، نگرش‌ها و اظهارنظرهای او را هدایت کرده و از طرف دیگر در انتخاب‌های وی در زندگی روزمره نقش اساسی دارد. آنچه مسلم است، امروزه افراد دارای سرمایه‌های مختلفی هستند که سرمایه فرهنگی بیشترین تأثیر را بر افکار و رفتارهای آن‌ها داشته و فضای زندگی آن‌ها را شکل می‌دهد. بنابراین، نقش ساختارهای فرهنگی که در ارتباط با سرمایه فرهنگی می‌باشد، تأثیر بنیادی در شخصیت و سبک زندگی افراد ایفاء می‌کند.

در دهه‌های اخیر حل مسائل آموزش و پرورش نه تنها مورد نظر مسئولان کشورهای مختلف قرار گرفته؛ بلکه همواره تأثیر آن در توسعه جامعه بیشتر آشکار می‌شود. به‌طور کلی، انجام تحقیقات در زمینه آموزش و پرورش و آموزش عالی می‌تواند عوامل مؤثر بر وضعیت

تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان را مشخص سازد. به‌ویژه، از آنجاکه در سال‌های اخیر این تصور در حوزه آموزش عالی شکل گرفته است که وضعیت تحصیلی دانشجویان نسبت به گذشته دچار افت شده است در پژوهش حاضر به سازوکارها، تسهیل‌گرها و موانع پیش روی نقش سرمایه فرهنگی در نظام آموزش و پرورش نیز اشاره شد و مورد شناسایی قرار گرفتند. بر این اساس، سازوکارهای اجرای مدل شامل تدوین برنامه عملیاتی برای بهبود و توسعه سرمایه فرهنگی، تعیین اولویت‌های برنامه به‌منظور بهبود و توسعه سرمایه فرهنگی، ارزیابی مستمر میزان استفاده از اصول توسعه سرمایه فرهنگی توسط مدیران و تشکیل مرکز تخصصی ارتقای سرمایه فرهنگی، تغییر راهبردهای سازمانی جهت پرورش مدیران کارآفرین، بهسازی شایستگی‌های فرهنگ‌سازمانی در جهت توسعه سرمایه فرهنگی، تغییر راهبردهای سازمانی جهت پرورش مدیران کارآفرین، بهسازی شایستگی‌های اخلاقی مدیران سازمان‌ها، بهبود مسئولیت‌پذیری اجتماعی مدیران به‌منظور بالا بردن تعهد سازمانی در آن‌ها، توجه به شایسته‌سالاری جهت انتخاب درست مدیران فرهنگی و ارزشیابی مداوم از فعالیت‌های مدیران سازمان شناسایی شدند و موانع شامل، عدم وجود سازوکارهای نظارتی در انتخاب و به‌کارگیری مدیران سازمان، نبودن سیاستی مشخص در جهت تأثیر برنامه‌های آموزش ضمن خدمت در ایجاد رهبران فرهنگی، در نظر نداشتن پاداش و تشویق مناسب برای مدیرانی که به شیوه کارآفرینانه اعمال مدیریت می‌کنند، عدم تخصیص درست منابع در سازمان در مناطق مختلف و عدم وجود جو سازمانی فرهنگی در نظام آموزش و پرورش معرفی شدند.

در پژوهش حاضر با توجه به مرور مبانی نظری و شناسایی مؤلفه‌های بر اساس مصاحبه با خبرگان و ... عواملی شناسایی شدند که به همراه سازوکارها، موانع و تسهیلگرها، مدل نهایی پژوهش را تشکیل می‌دادند. در مدل نهایی پژوهش حاضر، ابتدا عوامل علی مانند هویت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، تعاملات در خانواده، مصرف رسانه و سبک زندگی در شکل گذاشته شده است که نشان‌دهنده تأثیرگذاری بر پدیده محوری یعنی موفقیت توسعه سرمایه فرهنگی می‌باشند. همچنین در ادامه نقش سرمایه فرهنگی در نظام آموزش و پرورش بر سازمان مطرح شد که با فلشی به سازوکارها، تسهیلگرها و موانع متصل شده است.

نتایج سؤال پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های هویت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، تعاملات خانوادگی، مصرف رسانه و سبک زندگی از عوامل علی بر توسعه سرمایه فرهنگی در نظام آموزش و پرورش هستند. بر این اساس پیشنهادهای ارائه می‌گردد:

- کتب درسی و برنامه‌های آموزشی در مقاطع تحصیلی عمومی و متوسطه از بعد تقویت مؤلفه‌های مربوط به هویت اجتماعی مورد تحلیل محتوا قرار گیرند.
- دستگاه‌های اجرایی در حوزه فرهنگ، با فراهم ساختن زمینه‌های مشارکت جوانان در فعالیت‌های فرهنگی و رشد مصرف کالاهای فرهنگی، انسجام اجتماعی و وفاق ملی را تقویت کنند.
- بهبود بخشیدن به سرمایه فرهنگی به دلیل آنکه فقدان سرمایه فرهنگی و نیز عدم تعادل در توزیع سرمایه فرهنگی، نقش اساسی در ایستایی جامعه و ایجاد اختلال در هویت جمعی ایفا می‌کند.
- مدیران و کارکنان و معلمان در فرایند طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی باید مسئولیت‌های حرفه‌ای خویش را به‌خوبی درک کنند و از تازه‌ترین و کارآمدترین روش‌های موجود در این زمینه با توجه به شرایط و اقتضانات خاص مدرسه محل خدمت خود بهره‌جویند.
- برابری میان دانش‌آموزان در خصوص ارائه خدمات آموزشی و مشاوره‌ای به دانش‌آموزان و بی‌طرفی و بی‌غرضی در ارزشیابی و نمره دادن به آنان صرفاً بر اساس توانمندی‌ها و عملکرد آنان در طول ترم تحصیلی رعایت شود.
- معلمان و دبیران از ابزارها و شیوه‌های مناسب و فناوری‌های جدید به‌منظور بهبود فرایند یاددهی-یادگیری در کلاس درس بهره‌برند



- برخورد احترام‌آمیز معلمان با دانش‌آموزان بیشتر شود، چون این امر موجب می‌شود که دانشجویان مزیت‌اندیشه‌ها و راهنمایی‌های مربیان خود را بیشتر بپذیرند که این رابطه دوستی و گفت‌وگوی انتقادی در باره اندیشه‌ها را پرورش می‌دهد و چنین محیطی توانایی علمی دانش‌آموزان را تقویت می‌کند.
- لازم است به مقوله مباحثه علمی در نظام آموزشی اهمیت بیشتری داده شود، چون مقوله بااهمیتی برای جامعه‌پذیری علمی و دانشگاهی محسوب می‌شود و معلمان و دانش‌آموزان را قادر می‌سازد که اندیشه‌ها و دلایل خود را با همدیگر مبادله کنند. در نتیجه، انتظار می‌رود کار دانش‌آموزان با استانداردهای علمی بالاتری منطبق باشد.
- علاوه بر نهاد خانواده، نهاد آموزش و پرورش مؤثرترین نقش را در پرورش فرهنگ آموزش و یادگیری دارد. پرهیز از نمره‌گرایی، توجه به کاربردی ساختن دروس، توسعه لذت‌یادگیری و ترویج کار گروهی و بخشی از مواردی است که قبل از ورود دانش‌آموزان به محیط‌های دانشگاهی می‌تواند عادت‌واره‌های این میدان را به گونه‌ای شکل دهد که از مشکلات جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان کاسته شود.
- ارائه درس سواد اطلاعاتی به‌منظور تقویت این مهارت در دانش‌آموزان، یک ضرورت اساسی است که باید تصمیم‌گیری‌های لازم توسط سیاست‌گذاران اتخاذ گردد.
- گسترش تبلیغات فرهنگی در خصوص الگوهای اسلامی\_ ایرانی سبک زندگی در میان دانش‌آموزان.
- دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط یافته‌های این تحقیق را مورد توجه قرار داده تا بتوانند استراتژی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدتی را برای رفع این مسئله طرح‌ریزی نمایند.
- متخصصان برنامه‌ریزی سرفصل دروس دانش‌آموزان، محتوای واحدهای درسی را به گونه‌ای سازمان‌دهی کنند که یادگیری از طریق این راهبردها قابل انتقال باشد.
- استفاده از رسانه‌های مختلف برای افزایش سرمایه فرهنگی خانواده‌ها و معطوف کردن توجه مسئولین به سمت ارتقای سرمایه فرهنگی که با سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح موانع را حل کنند.
- ارتقای تعامل با گروه‌هایی همچون خویشاوندان، دوستان، اساتید، معلمان و ... از طریق تشکیل جلسات گروهی و مشاوره‌ای.

## منابع

۱. بابایی فرد، اسدالله؛ حیدریان، امین. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان. مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار و تابستان ۹۴، صص ۱۱۷-۱۴۲.
۲. پرکان، اکبر و همکاران (۱۳۹۹). بررسی تأثیر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی بر نگرش به طلاق در بین افراد ۵۰-۲۱ ساله ساکن شهر کرمان، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۷-۳۱.
۳. تمنا، سعید؛ صمدی، سمیه. (۱۳۹۵). رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی با میزان آگاهی دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۲، شماره ۱، صص ۱۲۶-۹۹.
۴. درودیان، حمید؛ شیر، طهمورث؛ محمدپور، سارا. (۱۳۹۹). رابطه میزان استفاده از شبکه‌های تلویزیونی صدا و سیما و سرمایه فرهنگی دانشجویان (دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب). پژوهش اجتماعی، بهار ۱۳۹۹، شماره ۴۶، صص ۱۹ تا ۳۲.
۵. رستمی، گلشن؛ بنی‌فاطمه، حسین؛ علیزاده‌ا قدم، محمدباقر. (۱۳۹۲). بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با میزان مشارکت اجتماعی در بین دبیران زن شاغل در آموزش و پرورش شهر میاندوآب. مطالعات جامعه‌شناسی، سال سوم، شماره نهم، زمستان ۹۲، صص ۷۸-۹۸.

۶. زارع شاه آبادی، اکبر؛ اسدنژاد، فرزانه؛ تیموری، فاطمه. (۱۳۹۹). مقایسه نقش خانواده و مدرسه در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه فیروزآباد. تربیت اسلامی، تابستان ۱۳۹۹، شماره ۳۲، صص ۹۳ تا ۱۱۶.
۷. سپهرنیا، رزیتا؛ دلور، علی؛ صالحی امیری، سیدرضا. (۱۳۹۴). رابطه آموزش با ارتقاء سرمایه فرهنگی در ایران. فصلنامه روانشناسی تربیتی، شماره سی و هشتم، سال یازدهم، زمستان ۹۴، صص ۸۵-۱۱۲.
۸. عسکری، پیمان و همکاران (۱۳۹۷) طراحی الگوی توسعه سرمایه فرهنگی در خانواده ایرانی، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۲۷-۴۰.
۹. یزدان‌پناه، رویا؛ بهیان، شاپور؛ جهانبخش، اسماعیل. (۱۳۹۷). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی و ابعاد آن بر مقبولیت اجتماعی. مطالعات فرهنگ\_ارتباطات، دوره نوزدهم، شماره چهل و دوم، تابستان ۹۷، صص ۱-۲۴.

1. Avci, E. (2020). Examining the Relationship between Cultural Capital and Self-Efficacy: A Mixed Design Study on Teachers. *Athens Journal of Education*, 7(2), 169-192.
2. Breinholt, A., & Jæger, M. M. (2020). How does cultural capital affect educational performance: Signals or skills? *The British Journal of Sociology*, 71(1), 28-46.
3. Hamlin, D. (2019). Do homeschooled students lack opportunities to acquire cultural capital? Evidence from a nationally representative survey of American households. *Peabody Journal of Education*, 94(3), 312-327.
4. Huriye Yeröz, (2019) "Manifestations of social class and agency in cultural capital development Processes: An empirical study of Turkish migrant women entrepreneurs in Sweden", *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*.
5. Kuly, Michelle; Stewart, Etoile. & Dudley, Michael. (2015). *Enhancing Cultural Capital: The Arts and Community Development in Winnipeg*.
6. Moeller, K. (2019). Intangible and financial performance: causes and effects. *Journal of Intellectual Capital*, 10(2), 224-245.
7. Phillips, R. & Shockley, G. (2010). Linking Cultural Capital Conceptions to Asset-Based Community Development. *Mobilizing communities: asset building as a community development strategy*, 92, pp 370-382.
8. Radulović, M., Vesić, D., & Malinić, D. (2020). Cultural capital and students' achievement: The mediating role of self-efficacy. *Sociologija*, 62(2), 255-268.
9. Uzair-ul-Hassan, M., Parveen, I., & Saleem, S. (2020). Implications of Cultural Capital in Women's Higher Education Participation and Social Mobility. *Pakistan Journal of Education*, 36(3).
10. Wildhagen, T. (2010b). Capitalizing on Culture: How Cultural Capital Shapes Educational Experiences and Outcomes. *Sociology Compass*, 4(7), 519- 531. Doi: 10.1111/j.1751-9020.2010.00296.x
11. Wu, Y. (2018). Cultural Capital, the State, and Educational Inequality in China, 1949-1996. *Sociological Perspectives*, 51 (1), 201-227. Doi: 10.1525/sop.2018.51.1.201.